

سردبیر مهمان: نگاه به دانشگاه از منظر کارآفرینی

تقاضای روزافزون اجتماعی، کمبود و محدودیت منابع، گسترش سریع مرزهای دانش بشری و به تبع آن، دانایی محور شدن کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ظهور پر قدرت رقبای دانشگاهی حقیقی و مجازی در کنار افزایش انتظارات اجتماعی و ضرورت پاسخگویی دانشگاه‌ها به این انتظارات، موجب شده که مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش عالی بیش از پیش به خلاقیت و نوآوری در تأمین و تخصیص بهینه منابع مالی و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و متناسب با نیازهای محیطی و درونی دانشگاه روی آورند. ایجاد و توسعه مفهوم «دانشگاه کارآفرین» به عنوان یکی از ضرورت‌ها و راهکارهای اساسی در پاسخگویی به شرایط فوق بوده است. دانشگاه کارآفرین به عنوان یک نهاد علمی، پژوهشی و تخصصی، ضمن پرداختن به کارکردهای سنتی و مرسوم خود، به مفاهیم، الزامات و ویژگی‌های کارآفرینی در تمامی فعالیت‌ها توجهی ویژه می‌نماید.

در قرن بیست و یکم رسالت دانشگاه، تربیت نیروی انسانی و نسل آینده‌ای متعهد، مبتکر و کارآفرین است و بنابراین ایجاد تفکر کارآفرینی و ورود به کسب‌وکار در میان دانش‌آموختگان دانشگاهی - که با توجه به دانش و مهارت‌شان، امکان ایجاد کسب‌وکار به صورت فردی و یا گروهی در رشته تخصصی خود را دارند - باعث می‌شود که آنها با بهره‌گیری از استعدادها بالقوه خود، افرادی خلاق، نوآور و کارآفرین شوند و خود را باور نمایند. این خودباوری نه تنها منجر به تسلط و موفقیت آنها در زندگی شخصی‌شان می‌شود بلکه بسیاری از ناهنجاری‌های فکری و روانی که امروز با آن دست به گریبان هستند را نیز کاهش داده و باعث می‌شود آنها به جایگاه واقعی خود دست یابند. به منظور استفاده بهینه از توانایی‌های دانش‌آموختگان و دستیابی به توسعه اقتصادی، سیاست‌مداران با کمک اقتصاددانان و برنامه‌ریزان به دنبال ارائه الگویی هستند که نقش کارآفرینی در توسعه همه‌جانبه به ویژه توسعه اقتصادی را تقویت نمایند. کشورهای پیشرفته صنعتی به نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی پی برده و در ادامه این مسیر به دنبال توسعه و ترویج فرهنگ کارآفرینی از طریق سیاست‌های حمایتی مناسب در تقویت ویژگی‌های کارآفرینانه و بقاء روحیه کارآفرینی هستند.

امروزه در عرصه جهانی، دانشگاه‌های کارآفرین، منشاء تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و نقش

آنها به عنوان موتور توسعه اقتصادی و صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینه اصلی انتقال فناوری و نیز عامل رفع خلل و تنگنایهای بازار، امری بدیهی است. چرخ‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت درمی‌آیند و از این رو، پرورش نیروهای خلاق و نوآور، یکی از مباحث مهم در سطح صنعت، خدمات و دانشگاه‌ها است.

بر اساس آنچه در خصوص ضرورت و اهمیت مسئله کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین گفته شد فصلنامه سیاست علم و فناوری اقدام به فراخوان مقاله در خصوص «سیاست‌گذاری‌های ارتقاء دانشگاه به دانشگاه کارآفرین» نمود که پس از داوری مقالات واصله، شش مقاله پذیرش شد: مقاله «آموزش عالی و اشتغال در دانشگاه پس از انقلاب اسلامی» که به بررسی میزان اشتغال‌زایی آموزش عالی پس از انقلاب اسلامی پرداخته و روند و تأثیرگذاری آموزش عالی را بر اشتغال دانش‌آموختگان و به طور کلی بر اشتغال در جامعه بیان می‌کند. با توجه به اهمیت ارتباط دانشگاه و صنعت در کارآفرینی دانشگاه‌ها، در مقالات «بررسی ارتباط عوامل مؤثر بر تمایل به تجاری‌سازی دانش در دانشگاه» و «ارائه یک الگوی تصمیم‌گیری برای توسعه تعاملات صنعتی دانشگاه در شرایط تنوع سازوکارها و همکاران» سعی شده به بررسی تأثیر متغیرهای توانمندسازی روان‌شناختی، خودکارآمدی، سیاست دانشگاه، سرمایه اجتماعی، کنترل رفتار ادراک‌شده و همچنین نگرش به تجاری‌سازی بر تمایل به تجاری‌سازی دانش مورد بررسی قرار گرفته و اینکه مهم‌ترین و بهترین سازوکاری که برای ارتباط دانشگاه و صنعت می‌توان به کار گرفت خدمات و قراردادهای تحقیقاتی است. با توجه به اهمیت و لزوم تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های کارآفرین، مقاله بعدی با عنوان «طراحی الگوی شایستگی مبتنی بر کارآفرینی آموزشی» به عوامل موفقیت و شایستگی کارآفرین آموزشی پرداخته و عواملی از جمله مدیریت یادگیری، توسعه منابع انسانی، سیاست‌گذاری و مدیریت حرفه‌ای کسب‌وکار آموزشی و نیز یادگیری را در موفقیت یک کارآفرین آموزشی را مهم برشمرده است. اما در کنار اهمیت و ضرورت کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین، نیاز است که به پتانسیل‌ها و عوامل بازدارنده پیش روی تبدیل دانشگاه به دانشگاه کارآفرین نیز پرداخته شود که این مهم در مقاله دیگری با عنوان «واکاوی پتانسیل‌ها و عوامل بازدارنده فراروی دانشگاه رازی در راستای تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین» مورد تأمل و واکاوی قرار گرفته است. در مقاله اخیر، هفت عامل به عنوان پتانسیل (درونی و بیرونی) و ۱۷ عامل به عنوان عوامل بازدارنده شناسایی شده است. به نظر می‌رسد حرکت به سمت دانشگاه‌های کارآفرین، گزینه‌ای ناگزیر برای دانشگاه‌های فعلی باشد و عدم اعتناء به این دگرذیسی، پیامدهایی را در پی خواهد داشت که در مقاله پایانی با عنوان «پیامدهای بی‌توجهی به تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های کارآفرین» مورد اشاره قرار گرفته است.

بر این اساس، نمی‌توان منفعلانه در انتظار تغییرات نشست و باید در جهت دگرگونی شرایط موجود کوشید. فرآیند کارآفرینی با شکل‌گیری یک اندیشه آغاز می‌شود و با انتخاب راهکارهای مناسب، تأمین منابع و غلبه بر موانع به اجرا درمی‌آید. انتظار می‌رود دانشگاه‌ها عزم خود برای تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین را جزم کرده و پرچم‌دار این حرکت مهم و مؤثر در توسعه همه‌جانبه کشور شوند.

مریم‌سادات قریشی خوراسگانی

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا (س)